

## زن و مادری در قامت «قلم»

### بسم الله الرحمن الرحيم

گفتگو با استاد طاهرزاده در اربعین 1402 -  
عصر روز دوم پیاده روی  
سؤال: سلام علیکم: فکر می‌کنید ما در این شرایط  
تاریخی، به‌خصوص که خانم هستیم، چه وظیفه‌ای  
داریم؟

استاد: با توجه به شناختی که از اکثر خواهران  
دارم؛ چون قلم و کلام تان، کلامی است که می‌تواند  
مخاطب را در جریان مسائلش بگذارد، باید به  
صورت ابتکاری، بدون آن که معطل بنده بشوید، به  
صورتی که خود را در درون خود احساس کند، مطالب  
خود را مطرح کنید.

سؤال: ممکن است در نوشتن خیلی تفصیلی فکر  
کنیم، آیا درست است؟

استاد: باید بتوانید به حکم قول رسول  
خدا «صَلُّوا لِلَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ» که فرمودند: «أَعْطَيْتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ»  
سخنان جامع به من داده شده است؛ هم مطلب خود  
را برسانیم و هم خیلی توسعه‌اش ندهیم و هم  
بدون دلیل مطلب را خلاصه نکنیم، درگیر که بشوید  
«خود راه بگوید که چون باید کرد.»

سؤال: شما گویا یک سیره شهید آوینی‌وار را  
توصیه می‌کنید تا آن اتفاق برای ما پیش بیاید.  
استاد: همین طور است، ما در آن صورت، «وجود»  
خود را در گفتارمان تکرار می‌کنیم، زمانه‌ای  
نیست که به‌جز به فکر بسط خودمان، به فکر  
آموزش‌دادن به بقیه باشیم، بقیه باید فکر کنند  
که می‌توانند در این حضور وارد بشوند یا نه،  
شما که دشمنی با کسی ندارید، یک حضوری را تجربه  
کرده‌اید و آن را پیش می‌آورید، حالا مخاطب ببیند  
چه اندازه می‌تواند همراه باشد. در این شرایط،

وظیفه ما آن نیست که واعظ بشویم؛ عده ای آن کار را به عهده گرفته اند، إن شاء الله خدا کمکشان کند.

**سؤال:** گویا شما دارید ما را دعوت می‌کنید به جامع دیدن امور و حضوری که غیر از دسته‌بندی‌های عرفی یا بهتره بگوییم متافیزیکی است. در حالی که بنده وقتی مواجه می‌شوم با افراد جدید که فضای فلسفی یا عرفانی‌شان قوی است، فکر می‌کنم چیزی برای گفتن ندارم، ولی با ارتباط با افکار شما سعی می‌کنم جایگاه سخنان آن‌ها را در این تاریخ بدانم و ببینم چه دارند می‌گویند و حرفش چیست. از بحث‌های‌تان متوجه شدم حتی درگیر دسته‌بندی‌های ساحت خیال و عقل و قلب هم نیستید. نظر به حضوری دارید که باید برای مخاطب پیش بیاید، ولی در مواجهه با اهل فلسفه و عرفان احساس می‌کنم چیزی دستم نیست و از این جهت تزلزلی برایم پیش می‌آید، نمی‌دانم اسمش تزلزل هست یا نه؟ برای قوام فضای فکری‌ام چه کار باید بکنیم؟ «معرفت النفس» کار کردم، گاهی فکر می‌کنم باید عرفان و فلسفه کار کنم، در حالی که محدودیت وقت هست؛ این‌ها همه منجر می‌شود به نوعی آشفتگی.

**استاد:** نظر بنده آن است که امروز شرایط بسیار فراهم است برای آن‌که یک شبه ره صد ساله را طی کنید. این جمله نیچه، حرف خوبی است که می‌گوید: «اگر نشسته‌اید، بلند شوید و اگر بلند شده‌اید، حرکت کنید و اگر حرکت می‌کنید، بدوید و اگر می‌دوید، بپرید». الان شرایط خیلی فراهم است برای این‌که بپرید. یک زمانی بنده برای فهم «فصوص الحکم» 418 جلسه از آیت الله جوادی و 360 جلسه «فصوص» از آقای دکتر اعوانی و حدود 300 جلسه از آیت الله حسن‌زاده و حدود 200 جلسه «مصباح الانس» از آیت الله حسن‌زاده را گوش دادم، تا فضای عرفان ابن‌عربی را درک کنم؛ ولی به نظرم اگر

امروز همان 204 جلسه «فصوص» را با متنی که تنظیم شده، دنبال کنید، به مقصود خود می‌رسید، اقلش 2000 جلسه شرح «اسفار» از آیت الله جوادی آملی را دنبال کردم. حال شما با مباحث «ده نکته در معرفت نفس» و «برهان صدیقین» و بحث «معاد، بازگشت به جدی‌ترین زندگی» همراه با شرح صوتی آن، می‌توانید به مقصود خود برسید و به این معنا که شما می‌توانید بپسیرید. در حالی‌که ما در آن زمان راه هم نمی‌توانستیم برویم.

یک وقت آن شرایط برایتان پیش نیامده؛ بحث آن جدا است، ولی حال که نحوه‌ای از حضور وجودی برایتان پیش آمده باید طور دیگری زندگی کنید. شرح کتاب «منازل السائرین» از خواجه عبدالله انصاری که صوت آن 150 جلسه است با متنی که به صورت جزوه تهیه شده است؛ در دسترس است. چرا معطل هستید؟! حداقل شما خود تفسیر «المیزان» را وقت بگذارید و بپسیرید. این‌ها را که داشته باشید خودتان در تفکر حاضر می‌شوید. وقتی شما و امثال شما «فصوص الحکم» را دنبال کردید، خودتان بیشتر از نکات فصوص متذکر نکات فصوص می‌شوید. بنا نیست شما شاگرد طاهرزاده و امثال طاهرزاده باشید. به گفته مشهور: «شاگردانی که همواره شاگرد باقی می‌مانند، زحمات معلّم خود را به خوبی جبران نمی‌کنند». مباحث کتاب «معاد»، شما را با صدای بزرگی آشنا می‌کند ولی باید معطلش نشوید. معلوم است یک نوع تفکری برایتان پیش می‌آید که می‌توانید با آن تفکر در مواجهه با جهان جدید، از ریشه‌های خود استفاده کنید. بعضی از افراد در حوزه علمیه که درس می‌خوانند، چون می‌خواهند یاد بگیرند و استاد بشوند به یک معنا گرفتار می‌شوند. ما نمی‌خواهیم استاد بشویم، می‌خواهیم در حضور تراث خودمان باشیم،

تراث ما بزرگانند. اولین پیشنهاد بنده همین است که اولاً: اینها را داشته باشید، ولی معطلش هم نشوید. روزی سه یا چهار جلسه صوت مباحث را گوش بدهید تا منظور موضوع را بیابید، و با طی این مقدمات، می‌آیید به میدان از آن جهت که از تراث خود بهره‌مند هستید و ثانیاً: از جهت دیگر با مسائل امروز جهان روبه‌رو می‌باشید و برای جوانان حرف دارید و در مسائل روزتان می‌دانید چه پیش می‌آید و در مواجهه با هایدگر می‌توانیم صدرا را بازخوانی کنیم با اینکه به هر حال ما

صدرای  
والسلام

هستیم.